

جهانبخش سلطانی از پورا احمد می‌گوید:

تلاش برای هویت ایران



مدرسه بود و او به هر چیزی که مهر تایید می‌زد، مقبول و ماندگار می‌شد، انشای خود را خواند. مجید در این انشای از مرده‌شوری تعریف کرد که به نظرش کارش بسیار مهم بود و از ناظم تعریف نکرد! به خاطر این که کاراکتر ناظم، فردی با اندیشه‌های قدیمی بود و تمام ارتباطش را با جوب و کشیده و کتک انجام می‌داد. این اعمال او نه آموزش بود و نه پرورش. همین موجب می‌شد که مجید تاییدش نکند.

کیومرث خودش بود سلطانی با اشاره به کارگردانی کیومرث پورا احمد و شگردهای او در این زمینه هم می‌گوید: همان طور که گفتیم کیومرث پورا احمد کارش را خیلی بلد بود. طوری که سر صحنه خلق و ابداع می‌کرد. خود خودش بود. وقتی جلوی دوربین قرار می‌گرفتم از همان ابتدا به ساکن می‌گفت هر طور که خودت می‌دانی بازی کن، من نگاه می‌کنم و بعد می‌گویم که کدام‌ها باید باشد، کدام‌ها نباید باشد، کدام‌ها باید تاکید شود و ...

و ادامه می‌دهد: خودم هم باورم نمی‌شد در جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۷۱، بین آقای فرامرزی قریب‌بیان و اکبر عبدی، من برای بازی در فیلم سینمایی «شرم» برنده سیمرغ بلورین شدم. هنگامی که سیمرغ بلورین را از دست ریاست جمهوری، آقای خاتمی گرفتم، همان جا اعلام کردم که من این جایزه را از کیومرث پورا احمد دارم. به نظر من کیومرث پورا احمد در اوج بود. و واقعا از نبودش در میانمان متأسفم.



معتقدم او فرمول هنر و فرمول سینما را می‌دانست به همین دلیل فیلم‌هایش به گونه‌ای بود که هم مردم عادی آنها را می‌دیدند و لذت می‌بردند و هم به به دلیل داشتن لایه‌های زیرینشان، افراد بزرگ و اندیشمندی چون عباس کیارستمی از تماشا کردن آنها لذت می‌بردند

جهانبخش سلطانی از بازیگران پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون است که در سریال‌های «قصه‌های مجید» و «سرنخ» و فیلم‌های سینمایی «شرم»، «صبح روز بعد» و «سفرنامه شیراز» ساخته کیومرث پورا احمد ایفای نقش کرده است که به دلیل این حضور گسترده در آثار پورا احمد به سراغ او رفته‌ایم.

سلطانی در مورد کیومرث پورا احمد می‌گوید: کیومرث پورا احمد هنرمند گمنام و ناشناسی نبود. او علاوه بر این که به کارش علاقه‌مند بود، واقعا اهل تفکر، دانش و بینش بود. سال‌ها با تمام وجود و با تمام آگاهی، معرفت و دانش خود، برای هویت، شناسنامه و فرهنگ این کشور خدمت کرد. قطعاً همه این‌ها را می‌دانند و او را به همین حساسیت‌ها می‌شناسند.

وی با اشاره به نزدیکی‌اش با پورا احمد می‌گوید: به دلیل دوستی‌ای که بینمان وجود داشت، به خانه کیومرث پورا احمد رفت و آمد داشتیم و هر بار می‌دیدم که دائم می‌خواند و می‌نویسد. او همیشه در حال مطالعه کردن و فیلم دیدن بود. به نظر من همین مطالعات زیادش موجب می‌شد که حدود ده سال از جامعه خودمان جلوتر باشد چرا که خودش هم دلش می‌خواست همیشه حرفی برای گفتن داشته باشد.

به دلیل داشتن لایه‌های زیرینشان، افراد بزرگ و اندیشمندی چون عباس کیارستمی از تماشا کردن آنها لذت می‌بردند.

سلطانی در ادامه با اشاره به شخصیت پردازی‌های سریال «قصه‌های مجید» نیز می‌گوید: «قصه‌های مجید» واقعا ماندگار شد. یکی از دلایل این ماندگاری، شخصیت پردازی درست آن بود. من در این سریال نقش ناظم را بازی می‌کردم. در یکی از قسمت‌های آن از شاگردان کلاس خواستم انشایی با این موضوع که (چه کسی به جامعه بیشتر خدمت می‌کند؟) بنویسند. دلیل انتخاب این موضوع، این بود که دلم می‌خواست همه از ناظم تعریف کنند. در ادامه مجید که نمادی از تفکر همه بچه‌های

تلفیق هنر و ادبیات سلطانی در ادامه به علاقه مندی این کارگردان به اقباس اشاره می‌کند: فیلم‌نامه‌های کیومرث پورا احمد از انسجام ادبیات خاصی برخوردار بود و شخصیت پردازی‌اش غنی بود. این‌ها همه به این دلیل بود که واقعا به حرفه‌اش اشراف داشت و کارش را بلد بود. بسیار کتاب می‌خواند و اقتباس را دوست داشت. به نظرم نگاه دقیق و موشکافانه کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی او موجب ماندگاری کارهایش شد. معتقدم او فرمول هنر و فرمول سینما را می‌دانست به همین دلیل فیلم‌هایش به گونه‌ای بود که هم مردم عادی آنها را می‌دیدند و لذت می‌بردند و هم به